

بازپرسی - ۲

آقایان علیه آقایان

صفورا رهبری



سرشناسه: رهبری، صفورا، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور: آقایان علیه آقایان /
نویسنده: صفورا رهبری.
مشخصات نشر: تهران: نشر خوب، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص: مصور
فروست: بازپرسی؛ ۲.
شابک: دوره: ۰-۶۵-۷۵۴۲-۶۲۲-۹۷۸-۷-۶۶-۷۵۴۲-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت کتابنامه: ص. ۱۷۹؛ به صورت زیرنویس.
موضوع: آقایان الکساندر، ۱۲۴۲-۱۲۶۴.
موضوع: Aghayan, Alexander
موضوع: آقایان، فلیکس، ۱۲۹۲-
موضوع: سیاستمداران ایرانی — قرن ۲۰
موضوع: *Politicians, Iranian — 20 century
موضوع: ایران — تاریخ — پهلوی، ۱۲۵۷-۱۳۰۴
موضوع: Iran — History — Pahlavi, 1925 - 1978
ردیف بندی کنگره: DSR۱۴۸۵
ردیف بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۰۹۲۲
شماره کتاب شناسی ملی: ۸۸۲۹۳۲۸
۹۱۲۶۰۱

آقایان علیہ آقایان

نویسنده: صفورا رھبری

دبیر مجموعه: شمیم مستقیم

ویراستار ادبی: فریدالدین سلیمانی

ویراستار فنی: فرزاد مرادی

طراح برونم جلد و گرافیک متن: معراج قنبری

طراح جلد: معراج قنبری

آمادہ سازی و صفحه آرایی: بیجا فیضی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیم

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۴۲-۶۶-۷

نوبت چاپ: اول-۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایماژ

قیمت: ۷۹۰۰۰ تومان

فهرست

- ۷ . یادداشت دبیر مجموعه
- ۹ . مقدمه
- ۱۷ . بخش یک: «من هیچ جا نبودم و همه جا بودم.»
- ۲۱ . بخش دو: اسکی روی شکر
- ۲۹ . بخش سه: شراکت سفید
- ۴۵ . بخش چهار: جوان خام
- ۴۹ . بخش پنج: از مشروطه تا دربار پهلوی
- ۵۹ . بخش شش: «مسیو آقایان! شما هنوز خیلی جوان هستید!»
- ۶۵ . بخش هفت: دیدار آشنا
- ۷۱ . بخش هشت: روزگار پیرم، روزگار داور
- ۸۱ . بخش نه: مملکت قحط الرجال است

- بخش ۵: «خدمت به مسلمان واجب است.» ۸۹ .
- بخش یازده: «مأمور برجسته، اینتلیجنس سرویس؟» ۹۷ .
- بخش دوازده: «این شخص مرد روز است.» ۱۰۲ .
- بخش سیزده: «رفیق شما داور هم همین طور فکر می کند.» ۱۱۲ .
- بخش چهارده: «کاشتن درخت گردو» ۱۲۷ .
- بخش پانزده: «حمل خشکبار، نقل تیربار» ۱۲۵ .
- بخش شانزده: «وکیل مدافع همه» ۱۴۲ .
- بخش هفده: «فلیکس آقایان: موهبت و لعنت» ۱۴۹ .
- بخش هجده: «قربان! اجازه فضولی می دهید؟» ۱۵۷ .
- اجازه می دهید؟ ۱۵۷ .
- بخش نوزده: «ظهور و سقوط» ۱۶۲ .
- بخش بیست: «در خانه الکساندر» ۱۷۱ .
- پی نوشت ۱۷۷ .
- منابع ۱۸۱ .

یادداشت دبیر مجموعه



بازپرسی چنانچه از نامش پیداست قرار دادن پرسشی تازه در برابر ماجرای قدیمی است.

در مرور دوباره برخی اخبار و پرونده‌ها از روزگار گذشته حس کردیم انرژی آزاد نشده‌ای ما را به درون آن‌ها می‌کشد.

تاریخ ما آکنده از ماجراها و روایت‌هایی سرگردان است. اشباحی دادخواه که امید به داوری آن‌ها را سرگردان نگاه داشته و هنوز در دیار مردگان آرام نگرفته‌اند. پرونده‌هایی که از راکد شدن در بایگانی‌ها سر باز می‌زنند و به اطوار مختلف از پنجره اکنون خود را به ما نشان می‌دهند.

خود ما هم همچنان سرگردان و سرخوش این پرسش هستیم که به راستی این پرونده‌های قدیمی از ما چه می‌خواهند؟ و چرا و چگونه ما را انتخاب کردند تا آن‌ها را مرور کنیم؟

زندگی آدمیزاد روی زمین بدبختانه فرصتی برای تماشا به او نداده. ما انسان‌های

لحظه‌های اکنون آن قدر درگیر خودمان هستیم که مجال برای تماشای دیگری و تلاش برای داوری منصفانه او نداریم. تا بوده چنین بوده. در چنین اوضاع و احوالی پیش‌پیش می‌توان گفت هر پرونده‌ای، یا حتی هر خرده‌خبری که در روزنامه‌ای یا اعلانی از دهه‌ها پیش خودش را پیش روی توجه ما قرار می‌دهد، سزاوار کنکاش بیشتر است و بی‌تردید با یکی دو پرسش می‌توان دریافت که حق آن ماجرا یا خبر ادا نشده و حقیقتی محجوب و خاموش و دیده‌نشده در آن حوالی در انتظار برملا شدن است. اینکه بخت و اقبال برملا شدن داشته باشد یا نه خود موضوع دیگری است. مجموعه بازپرسی با این نگاه آغاز شد. ما ابتدا ساختاری برای یک همکاری جمعی تدارک دیدیم. و بعد با پژوهش و مطالعه و سرک کشیدن به گوشه و کنار پرونده‌ها و آنچه گردباد زمان از هر ماجرا و آدمی باقی می‌گذارد تلاش کردیم خود را به آنچه واقعاً اتفاق افتاده نزدیک و نزدیک‌تر کنیم و در هر پرونده‌ای آن گوشه‌ای را بیابیم که می‌توانیم پرسش تازه خود را طرح کنیم.

نوشتن در لحظه‌ای آغاز شد که پرسشی تازه سر برآورد. اما خواندن و پرسیدن و تحقیق هیچ‌گاه متوقف نشد، بلکه تا لحظه آخر ادامه پیدا کرد. طوری که یافته‌هایی جدید در واپسین روزهای بازپرسی همه‌مان را شگفت‌زده کرد. اگر نوشتن این کتاب‌ها یک سال دیگر ادامه می‌داشت، پرونده حتماً مضمون‌های تازه دیگری هم پیدا می‌کرد.

حاصل این بازپرسی تعدادی جستار بلند روایی است. اما نه فقط در محصول نهایی، بلکه در روش رسیدن به محصول هم ما جستارگون عمل کردیم و جستارگون زندگی کردیم. پرسیدن بی‌امان و جست‌وجوی بی‌امان و گشودگی به هر اتفاق جدیدی در مسیر این پرسش دوباره.

در شکل‌گیری این پروژه لیلا اجتهادی که دقت و پشتکار و تعهدی مثال‌زدنی دارد، نقشی جدی داشت. من و نویسندگان این مجموعه بابت تلاش‌هایش قدر دانیم.

شمیم مستقیم